

بی‌گمان یکی از جامع‌ترین پژوهش‌هایی که تاکنون در زبان فارسی، حول موضوع تاریخ‌نگاری مسلمانین صورت گرفته، اثر دو جلدی دکتر صادق آینه‌وند با عنوان علم تاریخ در گستره‌ی تمدن اسلامی است. مؤلف کوشیده است با تکیه بر منابع اسلامی و پرهیز از غلتبنده در دامان آرای خاورشناسان، گزارشی همه‌جانبه از وجود مختلف تاریخ‌نگاری مسلمانان در سده‌های متعدد ارائه دهد. کامیابی دکتر آینه‌وند در انجام این مهم، بیش از هر چیز، ناشی از تلقن خاطر دیریاری ایشان به مبحث تاریخ‌نگاری در اسلام است. وی در پاییز ۱۳۶۰ ش. کتابی تحت عنوان علم تاریخ در اسلام تألیف و منتشر کرده بود و می‌توان از آن به عنوان طرح اولیه کتاب حاضر یاد کرد.^۱

آینه‌وند در جلد اول این اثر، موضوعات و مباحث متنوعی را مورد توجه قرار می‌دهد. در بخش‌های اول و دوم، تعریف لغوی و اصطلاحی تاریخ از نگاه غیرمسلمانین و مسلمانین، فواید تاریخ از دید مورخان مسلمان، جایگاه تاریخ در طبقه‌بندی علوم از سوی دانشمندان مسلمان، اسلامیت علم تاریخ و اسباب پیدایش آن در اسلام بررسی شده‌اند. این دو بخش، مفاهیم «تاریخ» و «تاریخ‌اندیشه» در نزد مسلمانان راتبیین می‌کنند.

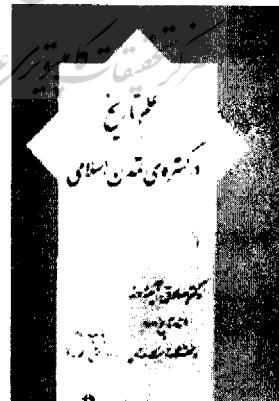
در ادامه، «تاریخ‌نگاری» مسلمانان مذکور قرار می‌گیرد: در بخش سوم تحت عنوان «ساخت‌ها و سبک‌های تاریخ‌نگاری اسلامی» موضوعاتی همچون اشکال تاریخ‌نگاری اسلامی، نگارش تاریخ بر محور موضوعات، و شعر و تاریخ و در بخش چهارم، شعبه‌ها و شاخه‌های علم تاریخ در اسلام (مانند سیر، مغایر، فتوح، سیر، مقالات، انساب، طبقات، تراجم...) مورد بحث قرار گرفته‌اند.

در بخش پنجم، دانش‌های کمک‌کار در تاریخ‌نگاری اسلامی، در بخش ششم، مکتب‌های تاریخ‌نگاری در اسلام (مکاتب حجاز، عراق، یمن، شام، ایران، مصر و اندلس و مغرب)، با ذکر بزرگان و ویزگی‌های هر مکتب معرفی شده‌اند. در بخش هفتم تحت عنوان «اصول تاریخ‌نگاری و قواعد نقد تاریخ در اسلام»، مباحثی چون شروط متعلق به راوی و مروی، قواعد جرج و تعديل، صفات مورخ در تاریخ‌نگاری اسلامی و شیوه‌ی تاریخ‌نگاری علمی در اسلام بررسی شده است. سپس نقد تاریخی کتاب الشماریخ فی علم التاریخ اثر جلال‌الدین سیوطی توسط دکتر محمد کمال‌الدین علی به عنوان نمونه، ارائه شده است.

در انتهای جلد اول، کتاب‌شناسی علم تاریخ در زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی تهییه و ارائه شده که می‌تواند منبع ارزشمندی برای پژوهشگران حوزه‌های

نگارش تاریخ ونگارش تاریخ

● علی کالیزاد
دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تهران



علم تاریخ در گستره‌ی تمدن اسلامی
نویسنده: صادق آینه‌وند
ناشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، جلد اول ۶۹۵ صفحه؛ جلد دوم ۴۲۸ صفحه

«کلمه تاریخ که باید گفت از قرن سوم هجری به عنوان تعبیر فتی خاصی که عموماً مراوف کلمه History انگلیسی می‌باشد، به کار رفته است، کلمه‌ای است با مفاهیم گوناگون.» (صفحه ۵۳-۵۴)

وی با استناد به نظر عبدالعلیم خضرابادآور می‌شود: «کلمه تاریخ در میراث اسلامی از ابتدای تاکنون به شش معنی و در وجوده گونه‌گون به کار رفته است:

۱. سیر زمان و حوادث به معنی تطور تاریخی (the history of);

۲. تعیین زمان حادثه‌ی تاریخی با روز و ماه و سال (date);

۳. علم تاریخ (History);

۴. تدوین تاریخ (historiography);

۵. شرح حال نگاری و رجال (biography);

۶. عزمیراث اقوام و بیانگر شمایل بنیادی امت‌ها.» (صفحه ۵۴-۵۵)

شاکر مصطفی نیز با اشاره به جایگزینی واژه‌ی «تاریخ» به جای «غیر» از قرن سوم هجری، این امر را ناشی از تطور در خبر و فرآیند آن می‌داند: «در صدر اسلام واژه خبر، اخبار و اخباری، تداعی‌کننده موضوع نگارش وقایع با توجه به زمان آن‌ها بود. پس از مدتی و احتمالاً از نیمة قرن دوم هجری، واژه تاریخ کم‌کم به جای واژه خبر به کار گرفته شد و ثبت وقایع را به طور سلسه‌وار و بر اساس زمان و یا موضوع شامل می‌شد. این امر، بیانگر تطور در خبر و فرآیند آن بود از آغاز قرن سوم هجری، واژه تاریخ در باره‌دانش تحولات تاریخی، روایات تاریخی، زندگی‌نامه‌ها و منابع تاریخی استفاده شد.»

علاوه بر معانی و موارد مختلف استفاده از کلمه‌ی «تاریخ»، فهم تاریخ‌نگاران مسلمان از مفهوم تاریخ نیز یکسان نبوده است. طبعی (۲۲۴-۳۱۰ق) هدف خود را بیان اخبار پادشاهان، خلفاً و پیامبران عنوان می‌کند و بر این باور است که «علم ترتیب، وی استدلال را خارج از چارچوب کار خود می‌داند.»

ابن مسکویه (۴۲۱-۳۲۰ق) هدف خود را ثبت تجارب اعم می‌داند و روایات مربوط به عهد پیش از طوفان نوح و معجزات پیامبران را در طرح خود بلااستفاده می‌خواند.^۱ ابن اثیر (۵۵۵-۳۰ق)، با اظهار این که «هیچ واقعه‌ای روی نمی‌دهد جز جز این که عین آن یا همانند آن قبلاً پیش آمده باشد»، از «عقل مسموع» به عنوان وسیله‌ای برای توسعه‌ی دامنه‌ی اندیشه‌ی آدمی - در کنار عقل غریزی - سخن به میان می‌آورد.^۲

ابن خلدون (۷۳۲-۸۰ق)، تاریخ‌نگاری مسلمین را به سه دوره کلی تقسیم می‌کند: نخست بزرگانی مانند ابن اسحاق، طبری، واقدی و مسعودی که تحت تأثیر فتوحات اسلامی به «تاریخ عمومی ملت‌ها» پرداختند. پس از ایشان، دسته‌ای به «خبر ناجیه و شهر خود» و «تاریخ دولت و کشور خویش» اکتفا کردند. آن‌گاه نوبت به گروهی رسید که «جز مشتی مقلد کُنده‌ن و کم خرد پیش نبوده‌اند که به عین، روش گروه نخستین را تقلید کرده... و از یاد کردن مسائل مربوط به نسل‌های دوره خودشان غفلت می‌ورزند.»^۳

هدف ابن خلدون، شرح «کیفیات اجتماع و تمدن و عوارض ذاتی آن‌ها» و کشف «علل و موجبات حوادث» است.^۴

مسلمان‌تیر نگرش مورخان در مورد مفهوم و هدف تاریخ، و معیار گزینش فاکت‌های تاریخی، تابعی از جزیان‌های عمومی در هر دوره بوده است. این دگرگونی‌ها را

تاریخ‌نگاری و فلسفه‌ی تاریخ باشد.

در جلد دوم «علم تاریخ در گستره‌ی تمدن اسلامی»، آیینه‌وند مجموعه‌ای از آرای مورخان مسلمان را درباره‌ی تاریخ و فواید آن گرد آورده است. تاریخ بهق ابن‌فندق، جغرافیای تاریخی حافظ ابرو، ظفرالله‌ی شرف‌الدین علی بزدی، تحلیب السلف‌هندو شاه نجخوانی، تاریخ طبرستان و رویان و مازنلان ظهیرالدین معشنی، روضه‌الصلفی میرخواند، شرف‌نامه‌ی بدليسی، حبیب السیر خواندیمیر، الیام و الیالی و الشهه‌ر ابوزکر با الفراء، تجارت‌الامم ابوعلی مسکویه، الکامل ابن اثیر، قاعده‌ی المورخین سیکی، صحیح الأعشی قفقشندی، المختصر فی علم التاریخ کافیجی، الشماریخ فی علم التاریخ سیوطی، کشاف اصطلاحات الفنون تهانوی، تاریخ النبیه الصغری سید محمد صدر و الاعلان بالتوییخ لمن ذم التاریخ سخاوی، منابع مورد استفاده در این مجلد هستند. به این ترتیب، کتاب از شمئند کتو آینه‌وند، امكان شناخت کلی رویکردهای تاریخ‌نگاران مسلمان را در طول سده‌های سوم تا چهاردهم هجری فراهم می‌سازد.

۲

اما ضرورت رجوع به میراث مورخان پیشین چیست؟ و میان تاریخ‌نگاری دیروز و تاریخ‌نگاری کنونی در جهان اسلام (و خصوصاً ایران) چه نسبتی هست؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم تأمل در تاریخ‌نگری ماست.

در اوایل دوران دانشجویی، از دیدن سودمندی و ناسودمندی تاریخ اثر فردیش نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰م)، برآشقتم، تیازی به خواندن این کتاب نداشت. زیرا می‌دانست تاریخ، بی‌هیچ شک و ریسی سودمند است. پشتوانه‌ی صحبت این باور - که برای من و همه‌ی اهل تاریخ همچون وحی مُنزل است - دلایلی است از این دست؛ «گذشته، چراگ راه آینده است» و یا «ملتی که تاریخ خود را نداند، محکوم به تکرار آن است» و قس علی‌هذا. اما منطق حاکم بر این استدلالات، چیزی فراتر از بیان امروزین آرای مورخان پیشین نیست. به این ترتیب، مسرورو شادمان از همپیالگی فکری با گذشتگان، به سادگی فراموش می‌کنیم که لفظ و مفهوم تاریخ، خود یک فرآیند تاریخی است. مورخ مسلمان / ایرانی معاصر می‌کوشد با بهره‌گیری از ملمعه‌ای از استدلالات قُنما و نظریات مدرن، جامه‌ی «علم» (Science) بر قامت «تاریخ» را سازد و به تعریف علم تاریخ، کارکردهای آن و وظیفه‌ی مورخ پیرزاده؛ اما نتیجه‌ی این امر، جز تشدید آشتفتگی در تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری ما چه بوده است؟

در اواخر دهه‌ی هشتاد میلادی، پیتر نوویک وضعیت رشته‌ی تاریخ در ایالات متحده را این گونه توصیف کرده بود: «به عنوان اجتماع گستردگی از گفتمان و به عنوان اجتماع دانش پژوهانی که اهداف، معیارها و نیات مشترکی دارند، رشته‌ی تاریخ از هستی ساقط شده است... استاد (تاریخ) به همان صورتی بود که در آخرین آیهی «سفر داروان» کتاب مقدس توصیف شده: در آن روزها شاهی در اسرائیل نبود؛ هر کس همان کاری را انجام می‌داد که از دید خودش درست بود.»

گرچه پرشانی در تاریخ‌نگری مابسیار و خیم تر و جانکاهتر است، ولی به نظر می‌رسد نه تنها علاقه‌ای به درمان آن نداریم، بلکه آن را به عنوان سرنوشت محتم خویش، با جان و دل پذیرفته‌ایم. آیا تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، اموری محظوظ و لا تغیرند؟ دکتر آینه‌وند در بخش اول «علم تاریخ در گستره‌ی تمدن اسلامی» با اشاره به وجود نظرات متفاوت، درباره‌ی ریشه‌ی واژه‌ی «تاریخ» در زبان عربی، می‌نویسد:

کرده‌اید، و با شما چون و چرا نکنند که آنان چه کردند.»

قرآن کریم ۲:۱۳۴

چنان که دیدیم مفهوم تاریخ، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، خود اموری تاریخمند هستند. تاریخ‌نگاری اسلامی، مولود طبیعی سامان معرفتی جدیدی بود که با ظهور اسلام پدید آمد. قرآن، منبع تاریخ‌اندیشی مسلمین بود (همان، صص ۹۱-۱۰۰) و تاریخ‌نگاری اسلامی با ثبت اخبار زندگانی پیامبر اسلام (ص) آغاز شد.^۳ از همین روزت که محققان صرفاً به تأثیرات احتمالی و محدود سُنت‌های عرب پیش از اسلام و ملل همسایه بر پیدایش تاریخ‌نگاری اسلامی اشاره می‌کنند و در نهایت نیز به اصالت این پدیده اذعان دارند.^۴ به قول همیلتون گیبس، «جامعة اسلامی (صاحب) وجود و آگاهی تاریخی شده بود.»^۵ و این امر، نتیجه‌ی وجود «روح تاریخی» در دین اسلام بود (همان، ص ۱۰۸).

مسلمین، تاریخ‌نگاری را با سیره و معازی آغاز کردند.^۶ و در پی گسترش قلمروی اسلامی و ظهور شرایط و ضرورت‌های نوین، چشم‌اندازهای دیگری در برابر آنان نمایان شد. به همین دلیل، در تاریخ‌نگاری اسلامی، باستی ثابت و یکپارچه رویه‌رو نیستیم، بنابراین ضمن بهره‌گیری از قابلیت‌های موجود در آثار مورخان کلاسیک، نمی‌توانیم و نباید در گفتمان فکری آنان محدود شویم؛ مگر این که قائل به یکسانی عقایلیت‌ستی و عقلانیت‌مدرن باشیم که دیگر طرح جنین مباحثی، اساساً آب در هاون کوختن است.

۴

«به یاد اوردن گذشته‌ای که نتواند به حال مبدل شود، بیهوده است.»

سورن کی برکتگار (۱۸۱۳-۱۸۵۵م)

صادق آینه‌وند در مقدمه‌ی پرسنور اثر خود، هدف از نگارش این کتاب را چنین عنوان می‌کند: «نخست آنکه مدخلی باشد برای ورود به منابع و متون کهن و معتبر

نمی‌توان صرف‌آور قالب مباحث معرفت‌شناسانه دنبال کرد. به عنوان نمونه، فرانس نویسنده از سوی کافیجی در المختصر فی علم التاریخ (نگارش ۱۶۷۶م)، و سخاوتی در اعلان بالتبیح لمن ذم اهل التاریخ (نگارش ۱۸۹۷ق.)، این تحول را ناشی از شرایط پایدار سیاسی مصر - محل سکونت این دو - در قرون چهارده و پانزده میلادی / هشتم و نهم هجری می‌داند.^۷ حتی تحول تکنولوژیکی چون رواج فن کاغذسازی در جهان اسلام، از جمله عوامل مؤثر بر جویان تاریخ‌نگاری بوده است.^۸

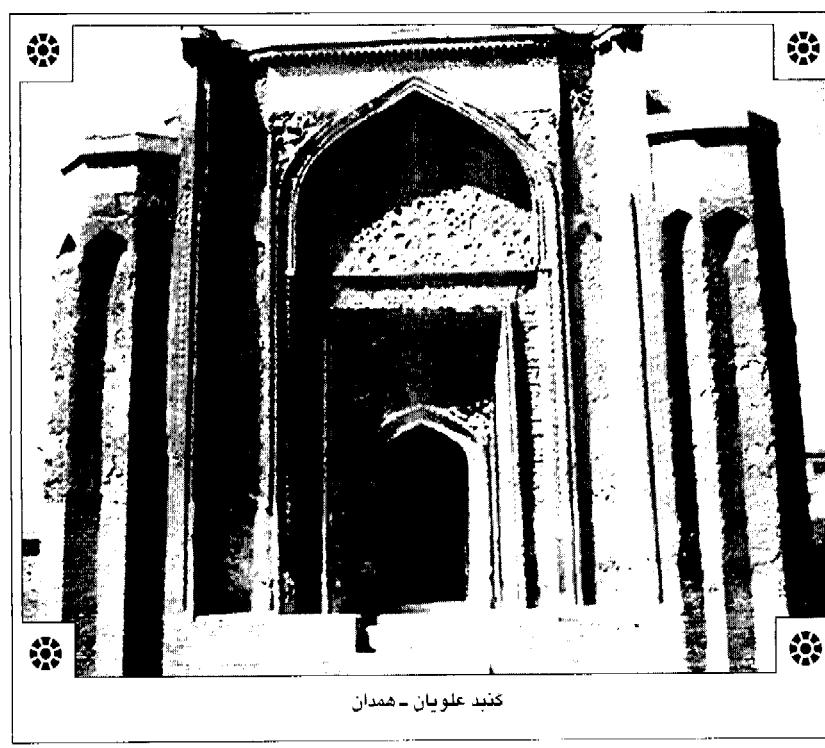
اهمیت تعمق در عوامل مؤثر بر تطور مقاهیم تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری در جهان اسلام زمانی آشکار می‌شود که به پادشاهی در نزد عموم فیلسوفان مسلمان، تاریخ به عنوان یک علم، فاقد جایگاه مقبول و شایسته‌ای بوده است. دکتر آینه‌وند علت این امر را پذیرش رویکرد ارسطوی در طبقبندی علوم از سوی داشمندان مسلمان دانسته و می‌نویسد: «على رغم تأکیدهای قرآن کریم، مع الاسف قدما تحت تأثیر میراث یونانی نتوانستند جوهره ذاتی تاریخ و منطق آن را کشف کنند؛ از این رو، عقل ما را ورود در واقعیت موجود فرو ماند و یا در حوزه تاریخ نهاد و بوسه اسر

صورت و قالب ماند.» (ص ۸۷)

طنز تاریخ در این است که حتی این خلدون نیز تاریخ را در زمرةی علوم به شمار نیاورده است. (ص ۸۲) شاید بتوان تأکید مورخان پیشین بر احلاق عنوان «علم» بر تاریخ و مترتب دانستن انواع و اقسام فواید را برای آن، بیش از هر چیز، واکنشی در برابر فیلسوفان دانست؛ واکنشی که غالباً در حد یک لفاظی شبیه علمی در مقدمه‌ی اثر باقی می‌ماند و بهندرت در متن مشاهده می‌شود. آیا کلیت تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری امروز، تداوم این واکنش منفعانه و مضحك نیست؟

۳

«این امتی است که در گذشته است، از اوست آنچه کرده است و از شمامست آنچه



پی‌نوشت

- ۱- آینه‌وند، صادق (۱۳۶۰). علم تاریخ در اسلام، تهران؛ وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲- نیجه، فردیش و پلهام (۱۳۷۷). سودمندی و ناسودمندی تاریخ برای زندگی، تهران؛ فرمان روز.
- ۳- سید، اوراد (۱۳۸۰). نقش روشنگر، ترجمه‌ی حمید عضلانو، تهران؛ نی، صص ۱۳۱-۱۳۰.
- ۴- شاکر، مصطفی (۱۳۸۲). تکون تاریخ‌نگاری اسلامی، در دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، به کوشش حسن خضرتی، ترجمه‌ی مهران اسماعیلی، قم؛ پوستان کتاب، صص ۱۲۵-۱۲۴.
- ۵- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه‌ی ابوالقاسم پایانده، تهران؛ اساطیر، چ پنجم، ج ۱، ص ۶.
- ۶- مسکویی رازی، ابوعلی (۱۳۶۹). تجارت الامم، ترجمه‌ی ابوالقاسم امامی، تهران؛ سروش، ج ۱، صص ۵۲-۵۳.
- ۷- ابن‌آثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱). کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه‌ی ابوالقاسم حالت و عباس خلبی، تهران؛ علمی، ج ۱، صص ۱۴۱-۱۴۰.
- ۸- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). مقدمه‌ی ابن‌خلدون، ترجمه‌ی محمد بروین گنابادی، تهران؛ علمی و فرهنگی، ج ۱، ج هشتم، صص ۳-۵.
- ۹- همان، ص ۷.
- ۱۰- روزنال، فرانسیس (۱۳۶۵). تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه‌ی اسلانه آزاد مشهد: آستان قدس‌رسی، ج ۱، ص ۵۳.
- ۱۱- گیب، هامیلتون (۱۳۶۱). «تطور تاریخ‌نگاری در اسلام» تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه و تدوین یعقوب آزاد، تهران؛ گستره، ج اول، ص ۱۹.
- ۱۲- همان، ص ۱۵.
- ۱۳- به عنوان نمونه، که؛ مصطفی، همان، صص ۲۲۷-۲۲۱.
- ۱۴- تطور تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۲۰.
- ۱۵- جمشیدی، محمدحسین، «جایگاه علم تاریخ در اسلام» دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، ص ۱۴۳.
- ۱۶- علم تاریخ در اسلام، مقدمه.
- ۱۷- همان.
- ۱۸- جنکتیر، کیت (۱۳۸۳) بازاندیشی تاریخ، ترجمه‌ی سانتر صدقیان، تهران؛ مرکز، ص ۴۴.
- ۱۹- به عنوان نمونه ن. که؛ آدمیت، فریدون (فوروزین ۱۳۶۶). «الخطاط تاریخ‌نگاری در ایران» سخن، ش ۱، دوره‌ی هفدهم، صص ۱۷-۳۰ و نیز آدمیت، فریدون (۱۳۶۰) آشنگی در فکر تاریخی، بی‌جلیب، ۱.
- ۲۰- «مرداد انسوپوزی، فهم انسان از وجود و جهان هستی است که بنیاد درک وی از طبیعت، معروف، حقیقت، تاریخ، خود دیگری، نسبت خود با جهان و با دیگری... و در بک عبارت بنیاد نظر، فرهنگ، اخلاق، سیاست، زستن فردی، حیات اجتماعی و تمدن را شکل می‌دهد» عبدالکریمی، بیان (بهار ۱۳۸۴) «گذر انسوپوزی به انسوپوزی»، «فصلنامه‌ی مدرسه، س ۱، ص ۳۱.
- ۲۱- قطب، سید (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه‌ی محمدعلی گرامی؛ هادی خسروشاهی، تهران؛ کلبه‌ی شروق، ج بیست و پنجم، صص ۱۵-۱۶.
- ۲۲- همان، ص ۲۸۳.
- ۲۳- علم تاریخ در اسلام، مقدمه.
- ۲۴- بازاندیشی تاریخ، ص ۴۲.

تاریخی اسلامی و در آخر بر رغم آنچه تاکنون نگارش یافته، با نگرشی ژرف‌تر بتلوان بنای تاریخی بی ریخت که در آن دست پُرتوان افت در حوزه‌ی رهبری

صالحان از انبیاء تا اولیاء به وضوح نمایان باشد زورمندان از من تاریخ برون آیند و به حاشیه روند و جایی را که به ناحیه بر آن گام نهاده‌اند، به وارثان زمین سپارند».۱۶

تعریف آینه‌وند از تاریخ در سال ۱۳۶۰ می‌شود، نه مأخذ از طبیری، جوینی و اسکندریگی مشنی بود و نه مقتبس از دایرۀ‌المعارف‌های Britannica، Americana و Bolshevika Sovetskaya «تاریخ، بیان حرکت افت در قوای امام و صحنه ستیز امام کفر با امام حق، تاریخ، توصیف قیام‌هاست در رکاب ائمه حق از انبیاء تا اولیاء».۱۷

شاید در زمان حاضر، بیان چنین تعریف اینه‌وندیکی مطابق مُد روز نباشد ولی اصالت این کلام، ستایش برانگیز است؛ و مگر نه این که «در نهایت، تاریخ، نظریه است و نظریه، اینه‌وندیک است»؟۱۸

کم نیستند کسانی که به علل انحطاط تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مسلمانان / ایرانیان پرداخته‌اند و بر جایگاه دانای کل و با تکیه بر فرقه‌ی ناجیه، برای درمان آن «نسخه» پیچیده‌اند.۱۹ اما عدم تشخیص صحیح، به تجویز غلط منجر شده است، مشکل بنیادین ما نه در حوزه‌ی روش‌شناسی تاریخی (historical methodology) که در حیطه‌ی های هستی‌شناسی (ontology) و نیز معرفت‌شناسی (epistemology) است. ما پیش و پیش از این که مورخ باشیم، جزو مردم جهان اسلام هستیم؛ مردم در این دنیا که نام آن را «جهان اسلام» گذاشته‌اند و قتی چشم باز می‌کنند، با یک سلسله واقعیت‌های اجتماعی ناروا که هرگز مسرورشان نمی‌سازد رویه‌رو می‌شوند و اوضاعی را مشاهده می‌کنند که با عدالت سازگار نیست».۲۰

آنچه در اولایل دهه‌ی شصت به آینه‌وند جسارت و قدرت ارائه‌ی تعریفی تازه می‌بخشد، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است. این گفتمان، به عنوان تجلی مبارزه‌ی نوادگیان جهان اسلام در برابر سلطه‌ی جهان غرب و واپس‌ماندگی

مسلمین، در برابر «اسلام تاریخی» می‌شورد و در صدد بازاندیشی، بازتعريف و بازآفرینی «اسلام اصلی» برمی‌آید این بازاندیشی، منحصر به عرصه‌ی حکومتاری و قانونگذاری نیست، بلکه در بی‌ارائه‌ی هستی‌شناسی اسلامی، معرفت‌شناسی اسلامی، انسان‌شناسی اسلامی و «یک تفکر مملو از روح اسلامی» است.۲۱ از این رو، تلاش در جهت بازاندیشی تاریخ، به عنوان بخشی از این پروژه‌ی گستره‌ی مطرح می‌شود «اگرچه اسلام‌الافق قلم به دست، از ایفاء وظایفه و ادائی دین به مستضعفین سریچیدند و به طمع نان و یا بیم جان، امت را به حاشیه برداشت و زورمندان غاصب را به متن آورند، پس از این باید چنین کاری نکنیم و از رفتن بر طریق آنان تن زنیم».۲۲

با توجه به روند تحولات جهانی و شرایط کنونی خاورمیانه، ضرورت بازاندیشی و بازتعريف تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری اسلامی بیش از پیش احساس می‌شود. این مهم، چیزی فراتر از طرح‌های ناکارآمد دانشگاهی و همایش‌های پُرخراج که بازده است. این نبردی است بر سر آینده؛ به قول جورج اورول: «آن‌هایی که بر زمان

حال تسلط دارند، بر گذشته نیز تسلط دارند و آن‌هایی که بر گذشته تسلط دارند، بر آینده نیز تسلط دارند».۲۳